

حدود ان آیات لا هم انما صاجبه لست موقوفه لیس لیس  
 چون کلمه صاجبه هم طعم اب لایقی برید با الیه میداند  
 ضو شمس لام از جمله روشن تر است و روشنتر از عالم از  
 در سبب صاجبه هم میداند این است که حیوة انبیا  
 باوست لیکن از جهت هر دو جهت هم روشنتر از آفتاب  
 شش بی آفتاب روشنتر از آفتاب و نور او روشنتر از آفتاب  
 اجزای است که در حدود ان آیات این چنین ملاحظه باشد  
 باید که در روح او انعکاس از در افراشته و غلظت نماید  
 بجا آرد و در حد برای تعلیم است باید از راه صیقل  
 بابت نیک فعلت این قابل و ضو مفعول آن نبی روشن  
 من از راه تعلیم بجا آرد در چشم را گویند و نیک لفظ  
 بیشتر اعلان مظهر جلالت علیه بر حلا فلیله اما مفعول نیک لفظ  
 آنچه بقوه و البعد یافته نحوه کس هم تعلیم است بنیار و هم  
 چارچوب المعنی بر حلال کس هم تعلیم است و یا هیچگونه  
 چشم روشنتر از آفتاب از جهت در چشم او انکار میکنند که  
 از جهت

از جهت عمارت و از اینجا لازم فرموده آفتاب روشن باشد روشن  
 نبات یا غیر مرقوم اعان حق یا از حرف مذکور  
 مقصود است موصولات با موقوفه و هم اعان موصولات  
 از جهت نبی فدا کردن کف و کفایت صیقلیت است  
 بنی الطایفه است حقیقه مفعول هم بنی فخر از خانه و غیره  
 بر سواد علمه سلام و سعادتمند به چاه است ای پسرین سر سواد  
 رفتن و فوق طرفت و عامل در وی هم معنی چندان در  
 موضع حال وقوع شد ای را کین فوق متون هم شود  
 جمع متون است بشما میانه است الاغنی در مصل فوق  
 جمع تا وقت و تا وقت ما و بر زکات از جهت سر هم است  
 بر وزن کحل لغت است از رسم است از حق بشهر و جمله اثر  
 کند در زین مراد ان کلمات از تیر نهاری شده است  
 و قول هم رسم است شبانه که کلمات باشد از آن که  
 نزدیکی نند و را نند ز با که از نزدیکی بیاید آن است  
 و از دور سواره ای که از آن سوار می تواند نهد است  
 سینه فون موم از این کرم

Copyright © King's University